

یادبود

بدروم۸تتارتی از صحنه زندگی در سال ۹۷

● **رضا آشفته:** هر هنرمندی یک خاطره جمعی است و بارفتنش حس تداوم و ماندگاری را در اذهان همگانی بارور می‌کند؛ اینکه هنریک راه اطمینان‌بخش برای ایجاد حس جاودانگی است و حالا هر یک بنابر تخصص و میزان تأثیرگذاری‌اش می‌توانند این حس‌وحال را قوی‌تر و غنی‌تر کند. در سال ۹۷ بزرگانی مانند عزت‌الله انتظامی، پرویز تابی‌دی، سعید کنگرانی، حسین محب‌اهری، عطا‌الله صفریور، مهدی تقی‌نیا، مهرداد ابروان و سعید محقق که در حوزه تئاتر فعال و شناخته‌شده بودند از میان ما رفتند. اما هنوز هم می‌شود به نیکی یادشان را زنده نگه داشت.

مهرداد ابیروان که از اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر ایران بود و سال‌ها به‌عنوان استاد دانشگاه، منتقد تئاتر و کارگردان، شاگردان زیادی را تربیت کرد، دوم اردیبهشت‌ماه سال جاری چشم از جهان فروبست. او زاده سال ۱۳۲۲ در شیراز بود.

سعید محقق، بازیگر و پیش‌کسوت تئاتر بود و سال‌ها در تئاتر اصفهان کار کرد. محقق یکی از همراهان رضا ارحام‌صدر، بنیان‌گذار مکتب کمدی انتقادی در تئاتر ایران بود که بعدها به مکتب «تئاتر اصفهان» شناخته شد. او زاده ۱۵ مرداد ۱۳۲۷ بود ۲۹ اردیبهشت‌ماه امسال در همین شهر دار فانی را وداع گفت.

عزت‌الله انتظامی، بازیگر پیش‌کسوت سینما و تئاتر معروف به «آقای بازیگر»، صبح روز ۲۶ مردماده در بیمارستان باهنر تهران درگذشت. او که خرداد امسال ۹۴ سالگی را پشت‌سر گذاشت، خالق نقش‌های ماندگاری در سینمای ایران بود.

عطا‌الله صفریور، سیاه‌باز برجسته ایران که در اثر بیماری ریه در آی‌سی‌یوی بیمارستان فلسفی گرگان بستری بود، صبح روز ۱۰ شهریورماه درگذشت. سعید کنگرانی، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر ۲۳ شهریور امسال، در ۶۴ سالگی، بر اثر سکته مغزی در بیمارستان فیروزگر درگذشت.

پرویز تابی‌دی، در عرصه تئاتر ایران نامی شناخته‌شده است. او یکی از بنیان تئاتر تلویزیونی و یکی از مترجمان توانمند آثار نمایشی بود. تابی‌دی متولد ۱۵ مرداد ۱۳۱۶ بود و در سال‌های اخیر بیشتر در زمینه تدریس به دانشجویان رشته‌های مرتبط با تئاتر و سینما فعالیت می‌کرد.

مهدی تقی‌نیا، بازیگر و منتقد پیشکسوت عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون ۱۵ مهرسان پس از مدت‌ها مبارزه با بیماری دار فانی را وداع گفت.

حسین محب‌اهری، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون که سال‌ها با بیماری سرطان مبارزه کرد، نیمه‌شب ۲۶ دی‌ماه در بیمارستان لاله تهران درگذشت.

حسین محب‌اهری متولد ۲۹ مهر ۱۳۳۰ از بازیگران باسابقه سینما، تئاتر و تلویزیون بود که به‌دلیل علاقه بسیاری که به کودکان داشت، در سریال‌ها و نمایش‌های بسیاری برای کودکان و نوجوان به ایفای نقش پرداخت.

محب‌اهری از سال ۱۳۵۰ وارد عرصه تئاتر شد و تا آخرین روزهای زندگی پربار خود همواره روی صحنه تئاتر حضور جدی داشت. او بازی در سینما را از سال ۱۳۶۵ با ایفای نقش کوچکی در فیلم «رابطه» یوان درخشنده آغاز کرد. بازی در ۲۷ فیلم سینمایی و ۵۰ برنامه تلویزیونی گوشه‌ای از فعالیت‌های این هنرمند است.



مهدی زارع*

سال ۱۳۹۷ برای جامعه علمی ایران با تلاطم‌های اقتصادی و تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان، سال سختی بود. در اسفند ۹۷ با کاهش ارزش ریال ایران به حدود یک‌چهارم ارزش خود درمقایسه‌با ابتدای سال ۹۷ و دریافتی ثابت اکثر پژوهشگران ایران که نسبت به ابتدای سال ۹۷ تغییری نکرده است، عملاً معیشت و امکانات پایه بیشتر کادر علمی ایران و فعالان عرصه پژوهش در علم و فناوری ایران زیر اثر این فشار اقتصادی محدود شد. ضمناً بررسی گزارش‌های دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ایران نشان می‌دهد که بین ۹۰ تا ۹۷ درصد بودجه دریافتی این مؤسسات علمی از دولت صرف پرداخت حقوق

اعضای هیئت‌علمی و سایر کارکنان آنها شد. در چنین فضایی می‌توان حدس زد که صرف هزینه برای هر فعالیت علمی در چه تنگنایی قرار گرفته است. درعین‌حال در بودجه حدوداً ۳۵۰ میلیارد دلاری سال ۱۳۹۷ ایران حدود ۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی پیش‌بینی شده بود، ولی در برآوردهای نیمه اسفند ۱۳۹۷ مشخص شد که به‌دلیل تحریم‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا، درآمد نفتی ایران در سال ۹۷ حدود ۴۰ میلیارد دلار بوده است. این نوع درآمد احتمالاً در سال ۱۳۹۸ محدودتر هم خواهد شد. در برآوردهای ۲۰ اسفند ۹۷ نسبت به ابتدای سال صدور نفت ایران در پایان ۹۷ حدود ۱۰۵ میلیون بشکه در روز کمتر از ابتدای ۹۷ بوده است. این موضوع، یعنی وابستگی به درآمدهای نفتی برای تأمین بودجه، تقریباً در سراسر ۷۰ سال گذشته وجود داشته است. قرارداد گس-گلشایان یا «قرارداد الحاقی»، قراردادی بود که در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۲۸ بین دولت ایران و نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران به عنوان ضمیمه قرارداد ۱۹۳۳ (اردیبهشت ۱۳۱۲ در زمان رضاشاه) امضا شد. بر اساس این قرارداد، شرکت نفت انگلیس و ایران تعدیلاتی در مبالغ پرداختی به ایران را می‌پذیرفت و دریافتی ایران از چهار شیلیبک در هر تن نفت صادراتی به شش شیلیبک افزایش می‌یافت. سازمان برنامه در سال ۱۳۲۸ بر پایه همین رشد درآمد و برای بهره‌گیری درست از این درآمد در توسعه زیرساخت‌های ایران، بر پایه کمک دولت آمریکا در ایران شکل گرفت. البته نوع برنامه‌ریزی از سال ۱۳۲۸ به بعد نوعاً بر پایه اولویت‌دادن به اهداف درآمدت ایالات متحده در منطقه ما بود. بخشی از این درآمد اضافه نفت در بودجه‌هایی که برای سال‌های بعد از ملی‌شدن نفت تنظیم می‌شد، قرار شد «برای شرایط اضطرار» در اختیار دولت قرار گیرد. بعد از نهضت ملی‌شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق، در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ دولت زنده‌یاد دکتر مصدق تلاش کرد اقتصاد بدون نفت را به دلیل تحریم‌های سنگینی که در آن سال‌ها از سوی انگلیس و متحدانش اعمال می‌شد، مدیریت کند و از محدود زمان‌هایی است که با سختی ولی برپایه اعتماد ملی کشور با ریاضت اقتصادی اداره شد. حتی شوریی نیز ذخیره طلایی که از ایران در اختیار داشت، با وجود درخواست مکرر دولت ایران، به ایران پس نداد، تا اینکه کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ پیروز شد و آنگاه دولت اتحاد شوروی ذخیره طلای مزبور را در اختیار دولت کودتایی ارتشبد زاهدی قرار داد؛ بر اساس اظهارات

علم.هنر

علم در ایرانِ ۱۳۹۷، چشم‌انداز ۱۳۹۸

سالی سخت برای جامعه علمی ایران



زنده‌یاد مهندس علی‌اکبر معین‌فر که از سال ۴۲ در سازمان برنامه مشغول به کار شد، از بعد از سال ۳۲، دولت‌های ایران هرچه بیشتر به دریافت بودجه از درآمد صادرات نفت عادت می‌کردند و آن بخش «درآمد اضطراری» عملاً به بخشی دائمی در بودجه دولتی ایران تبدیل شد؛ وابستگی به درآمد حاصل از صادرات نفت در تمام ۷۰ سال اخیر همزمان با رشد آموزش عالی در ایران به‌تدریج به نوعی از توسعه مدرن در ایران کمک کرد که در بسیاری از زمینه‌ها فعال است؛ دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مدام ساخته می‌شوند، ولی الزام نیاز به آنها و زمینه علمی‌ای که توسعه می‌یابد یا در ایران احساس نشده است یا اساساً با وجود نیست. در عوض در بسیاری از زمینه‌ها در قبل از انقلاب و به‌ویژه در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ توسعه علمی صورت گرفته که ایران به آن نیاز داشته، ولی قابلیت استفاده از آن در دستگاه بوروکراسی دولتی و بخش سرمایه‌داری و نوسرمایه‌داری خصوصی و دولتی ایران وجود ندارد یا اساساً با وجود نیاز، به این توسعه علمی بی‌اعتنایی می‌شود. با عنایت به شرایط تورمی و وضع مالی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، بیشتر بودجه‌های موجود نیز در سال حاضر ابتدا (و به اجبار) به رفع مشکلات معیشتی (حداقی) سوق داده شد. مدیریت کلان مسئله پژوهش و توسعه فناوری باید به گونه‌ای باشد که اولاً رقابت مخرب و غیرمفید بین اهل مؤسسات گسترش نیابد و در ثانی از نظر تخصیص بودجه پژوهشی نیز وضعی سامان و متعادل اتفاق بیفتد. چنین اتفاقی در سال ۱۳۹۷ نیفتاد. همچنان دستگاه‌های اصلی علمی کشور، در شکل‌دادن به برنامه‌های توسعه‌ای کشور نقش حاشیه‌ای داشتند. می‌توان مثال پروژه انتقال آب از دریای مازندران به سمنان و همچنین نحوه تثبیت ریزگردها در خوزستان و پروژه‌های جست‌وجو و بهره‌برداری از آب عمیق در کشور را به عنوان پروژه‌هایی مطرح کرد که در آن دستگاه‌های علمی در شکل‌گیری آنها نقش حاشیه داشتند (گاهی نقش حاشیه‌ای هم نداشتند!) و البته با کسوف بودجه‌هایی بخش‌هایی از این فعالیت‌ها در کشور ما دنبال شد و به نظر می‌رسد که همچنان ادامه خواهد یافت.

سرم پژوهش و پژوهشگران

در تولید ناخالص داخلی

تا انتهای سال بیشترین درصد بودجه پژوهش از تولید ناخالص داخلی به ترتیب مربوط به کشورهای کره‌جنوبی (۳۰۴ درصد) و رژیم اشغالگر قدس

پروژه‌های کلان علمی، عملاً روند توسعه خود را برای دهه‌های بعد تضمین کرده و موفق شده‌اند تا به این طریق توسعه خود را تا حد زیادی از تلاطم‌های سیاسی و آمدررفت دولت‌ها مستقل کنند. در بزرگ‌ترین پروژه علوم زمین که اکنون (در سال ۲۰۱۹) برای شناخت پوسته زمین (و به‌تازگی با هدف گذر از پوسته اقیانوسی برای رسیدن به گوشته) در دنیا دنبال می‌شود، کشورهای توسعه‌یافته (مانند ژاپن و آمریکا) و کشورهای درحال‌توسعه (مانند ترکیه و برزیل) مشارکت دارند. در این برنامه که با برنامه JOIDES آمریکا از ژانویه ۱۹۸۵ شروع شد و از فوریه ۲۰۰۹ اهداف جدیدی را با تجهیزات و پرسنل جدید دنبال کرده است، در سال ۲۰۱۸ برنامه اکتشافی در جنوب اقیانوس آرام دنبال شد و اکنون در ۲۰۱۹ به خلیج مکزیک رسیده است و از آنجا به حاشیه ساحل غربی اقیانوس اطلس (شرق آمریکای جنوبی) ادامه خواهد یافت. کشور ما با داشتن ساحل مکران که به اقیانوس هند متصل است، برای مشارکت در این پروژه عظیم بین‌المللی بسیار مستعد است. در سال ۲۰۱۹ در ساحل شرقی اقیانوس اطلس (غرب آفریقا)، در سال ۲۰۲۱ در شمال اقیانوس اطلس (به سوی گرینلند) پروژه مذکور ادامه خواهد یافت. این برنامه که یک پروژه همکاری‌های علمی بین‌المللی است، در نظر دارد به سؤالات مهمی درباره کره زمین پاسخ دهد؛ از جمله اینکه مرز بین پوسته و گوشته در هر قسمت از زمین کجاست؟ در نواحی پر برخورد پوسته اقیانوسی ژئودینامیکی در پوسته چگونه است؟ (این دو سؤال برای کشور ما با پژوهش در دریای مکران در جنوب شرق ایران قابل جست‌وجو است و می‌تواند با همین تأسیسات ما را به پژوهشی در این ابعاد متصل کند). در برنامه بزرگ بین‌المللی خالی می‌بیند؛ برنامه‌ای که می‌تواند فایده‌های بزرگ علمی و بین‌المللی به کشور ما برساند.

نگاه به ۱۳۹۸

۱- جوانان و نیروهای تحصیل‌کرده ایرانی هم باید داخل کشور جذب شوند و هم امید به زندگی و احساس آزادی و امنیت برای این گروه روبه‌رور بیشتر شود. در این صورت انگیزه بالاتری برای مقابله با مشکلات و ماندن در کشور خواهند داشت. در سال‌های اخیر بخشی از مهم‌ترین سرمایه‌های ملی ایران به دلیل تحصیل کارایی‌ها به کشورهای مسلمان صنعتی مهاجرت کرده‌اند. مالزی در آسیا (با توسعه عمدتاً بر پایه فناوری) و شیلی در آمریکای جنوبی (با تلاش برای تبدیل به اولین کشور توسعه‌یافته آمریکای جنوبی، با هدف‌گذاری برای توسعه کشور به عنوان «جامعه فرصت‌ها») کشورهای موفق در دو دهه گذشته برای مهاجرت معکوس و بازگشت نخبگان بوده‌اند.

۲- کشور ما در سال ۱۳۹۸ حدود ۸۳۰۵ میلیون جمعیت خواهد داشت و برآورد می‌شود تا سال ۱۴۰۰ جمعیت آن به ۸۵ میلیون نفر برسد. از این جمعیت در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۴ میلیون نفر در مراکز استان‌ها و حدود ۶۵ میلیون نفر شهرنشین خواهند بود. یادآوری می‌شود که اگر همین روال موجود از نظر توزیع جمعیت و نیازمندی‌های کلان شهروندان در هفت سال منتهی به سال ۱۳۹۷ همچنان حفظ شود (که دلیلی برای متفاوت‌شدن چنین روندی برای آینده فعلاً در دسترس نیست) برآورد می‌شود حدود ۲۶ میلیون جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ ساکن شهرهای بزرگ ایران و مراکز استان‌ها باشند و حدود ۲۶ میلیون نفر در معرض تنش آبی خواهند بود. انتظار ملی از سرمایه‌گذاری دولت در جامعه علمی ایران آن است که هم برای آینده کوتاه‌مدت و هم درازمدت ایران برای کم‌کردن ریسک کشور در مسئله آب‌آبی (که موضوعی میان‌رشته‌ای است) اقدام فوری و جدی کند.

۳- نقشه جامع علمی کشور که بیشتر شبیه فهرست آرزوهای متخصصان ایرانی است، در ۹ سال اخیر نه راهنمای عملی توسعه ایران بوده و نه می‌توانسته باشد. اکنون و در آستانه قرن پانزدهم هجری، زمان واقع‌بینی و بهره‌گیری از تخصص برای برنامه‌ریزی صحیح است. چنان برنامه‌ریزی‌ای ما را چنان از تلاطم‌های بین‌المللی و تحریم‌ها و آمدررفت دولت‌های بیگانه بی‌نیاز خواهد کرد که روند رشد و توسعه خود را بر پایه واقعیت و توان داخلی خودمان با روش علمی ترسیم کنیم. نقشه جدید باید «نقشه راه» علمی و شامل «اهداف سنجش‌شده و مطالعه‌شده» باشد تا بتوان به آنها رسید.

۴- بدنه مدیریتی و بوروکراتیک آموزش عالی و پژوهش و فناوری ایران باید با نیروهای جوان‌تر و متخصصان مستعد و مسلط به مدیریت در دولت دوازدهم نوسازی شود. دوش هر دو مهم در این زمینه به باور نگارنده، تلاش برای بین‌المللی‌کردن آموزش عالی و پژوهش در ایران و پرورش افراد در داخل کشور در تراز بین‌المللی است. این فرایند به توسعه ایران کمک بسیار خواهد کرد.

● **استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله و عضو وابسته فرهنگستان علوم**

دریچه

«اگر ممیزی بگذاردم…»

● **سحر عصرآزاد:** «نهنگ آبی» در کوران تولید و پخش سریال در شبکه نمایش خانگی که به شکلی قابل پیش‌بینی منجر به پس‌زدگی مخاطب به واسطه حجم زیاد تولیدات و افت کیفیت برای رسیدن به رقابت در بازار هفتگی شده، چندان امتیاز بالقوه دارد که اگر ممیزی بگذار، می‌تواند به فعلیت مناسب برسد. مهم‌ترین ویژگی؛ داشتن فیلم‌نامه‌ای کامل و حساب‌شده به قلم بهرام توکلی است که در فضایی متفاوت (نسبت به سریال‌های داخلی) و در عین حال به‌روز جریان دارد. توکلی که اصولاً سبویه ذهنی و درونی آدم‌ها، قصه‌ها و مضامین برایش جذابیت دارد و فیلم‌هایی که ساخته واجد پیچیدگی‌های جذاب ذهنی آدم‌ها هستند، این بار هم سبویه‌ای از مظاهر جهان مدرن را هدف قرار داده که در راستای همین دغدغه است. پرداختن به جهان و فضای مجازی و درام پرشتابی که قهرمان و کاراکتر محوری آن یک مغز متفکر و هکر دنیا ایدن مدرن است، هرچند سوزهای بکر نیست و در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های خارجی سابقه دارد، اما به جهت نوع نگاه و پرداخت، با عبور از فیلتر ذهنی نویسنده تا حد زیادی متمایز شده و البته در اشل سریال‌های ایرانی تازگی دارد. طبعاً این فیلم‌نامه با کارگردانی توکلی می‌توانست اتفاق خوبی را برای آدم در عرصه سریال‌سازی رقم بزند اما به هر دلیلی که این امکان فراهم نشده، انتخاب فریدون جبرانی را برای نقشستن روی صندلی کارگردانی این سریال باید هوشمندانه دانست. جبرانی در فیلم‌ها و سریال‌هایی که ساخته، این علاقه‌مندی به کار در فضاهای تنش‌زا و تودرتو، روابط درهم‌پیچیده و طرح و توطئه‌های برآمده از هم را مؤید کرده است. از همین رو این انتظار وجود داشت که خروجی چنین ترکیبی، یک سریال جذاب و پیکشش‌باشد. سریال «نهنگ آبی» با نیم‌نگاهی به یک بازی معروف در فضای مجازی که وجه کشف و جست‌وجوگری مخاطب خود را قلقلک می‌دهد، تلاش کرده این روند را در ساختار فیلم‌نامه و جنس کارگردانی دنبال کند. به همین دلیل از همان ابتدا با سکانسی بی‌زمان و بی‌مکان، یک فلاش‌بک به گذشته‌ای می‌زند که حکم اعتراف قهرمان قصه برای زندان‌یان یا بازجویی را دارد؛ این سکانس ورودی کمک کرده تا تریش راوی منطق دراماتیک پیدا کند و صرفاً تمهیدی برای شتاب‌دادن به قصه‌ای که در محدوده زمانی گسترده با کاراکترهای مختلف و متعدد می‌گذرد، نباشد. درحالی‌که بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها بدون آنکه به دنبال منطق دراماتیک باشند تنها به عنوان یک تمهید کاربردی از تریش برای پیشبرد روایت قصه خود بهره می‌برند. این فرم یک کارکرد مهم دیگر هم دارد و آن هم اینکه با توجه به جنس درون‌گرای کاراکتر آرمین که پسری منزوی و ناتوان در برقراری ارتباط با آدم‌ها و اطرافیان‌اش است، در موقعیت اجباری که برای روایت داستانش دارد، سبویه‌هایی از دروینات‌اش را افشا می‌کند که چپس‌ها برای چیدمان موقعیتی جهت برپلاشدن آن نیاز به چندین سکانس باشد؛ تازه اگر حق مطلب ادا شود، روند پیشرفت قصه از نگاه آرمین با تکیه بر اولویت‌های او، حرکتی دایره‌وار به سمت مرکز دارد؛ دایره‌ای که هرچه به مرکز آن نزدیک می‌شویم آدم‌هایی قرار می‌گیرند که برای آرمین مهم‌تر هستند و طبعاً تمهید بیشتری همراه با تامل در آنها اختصاص می‌یابد؛ مثل کاراکترهای ژاله، آناهیتا و مروارد که نوعی همپوشانی دارند. هرچه از این مرکز توجه دورتر می‌شویم، کاراکترهایی همچون مادر را بی‌بینیم که از نگاه آرمین کم‌اهمیت جلوه می‌کنند بدون آنکه نیاز باشد توضیح بیشتری درباره چرایی این قضیه برای مخاطب داده شود؛ چراکه آرمین این‌گونه به جهان و آدم‌های اطرافش نگاه می‌کند. هرچقدر معرفی کاراکترها و ورود آنها به قصه از نگاه آرمین هوشمندانه ترسیم شده اما در ادامه بسط و گسترش روابط و مواجهه‌های آرمین که زمینه‌ساز تغییر و تحولی در کاراکتر درونی و بیرونی اوست، دچار اختلال می‌شود که برای آن حدس درآورد آمده از مجرای واردشده به کار است که روابط را الکن کرده است. مانند آنچه بین آرمین و آناهیتا می‌گذرد و به تدریج به یک رابطه تنگناک رسیده و بعد تبدیل به شرک جرم می‌شوند، تا جایی که آرمین حکم ناجی آناهیتا از خودکشی را پیدا می‌کند. همین سه مرحله در چنین یک رابطه انسانی در محدوده زمانی کوتاه، نیاز به جزئیات و پرداخت حساب‌شده برای منطقی و باورپذیر شدن دارد. اما پرش‌های مداوم و پانگرفتن زمینه‌های این باورپذیری برای عمیق‌شدن این رابطه، توجه مخاطب را بیش از پیش به ممیزی آشکار سریال جلب می‌کند. همان‌طور که نصفه و نیمه‌ماندن رابطه تنگناک آرمین و ژاله را حین پیشرفت رابطه آرمین و آناهیتا نمی‌توان با هیچ منطقی توجیه کرد. رابطه‌ای که یکباره دچار نوعی سکون و ایستایی شده و حتی غیبت سؤال‌برانگیز کاراکتر ژاله را در پی دارد. در سریالی مانند «نهنگ آبی» که بر اساس روابط تودرتو، دیسپه‌چینی و نقشه‌های تنیده‌شده در هم شکل گرفته که متأثر از جنس فضای مجازی و جهان واقعی، واجد ساختاری دو لایه در پرداخت کاراکترها، ماجراها، روابط و… است، حذف یک سکانس تنها منجر به ضربه‌خوردن به یک قسمت نمی‌شود بلکه پاهایه‌ای درامی را خدشه‌دار می‌کند که قرار است قسمت‌های بعدی بر دوش مخاطب سوار شود. دوش «نهنگ آبی» با ترکیب بازیگران حرفه‌ای و نقش‌های متمایز که بسیاری از آنها ایفا می‌کنند، در کنار سوز به‌روز، فیلم‌نامه حساب‌شده و کارگردانی تأمل‌برانگیز، می‌تواند در میان حجم تولیدات این روزهای شبکه نمایش خانگی مخاطب را از پیکیزی چنین سریالی راضی نگه دارد… البته اگر ممیزی بگذار.